

## مطالعه تطبیقی راهکارهای جبران زیان ناشی از سبب مجمل و ناشناس در مسئولیت مدنی

حسن محسنی\*

پژوهشگر موسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران

رضا مرادی نژاد

دانشجو دکتری حقوق خصوصی دانشگاه پیر ماندس گرونوبل فرانسه

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۲/۳۱ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۷/۲/۳۰)

### چکیده:

این مقاله بر آن است تا به بررسی مسأله سبب مجمل و ناشناس در حقوق مسئولیت مدنی بپردازد. قانون‌گذار، قضاوت و حقوقدانان، همگی تلاش کرده‌اند راهی برای آشتی دادن رابطه سببیت با ضرورت حمایت از زیان‌دیده بیابند. تحولات اجتماعی-اقتصادی دهه‌های اخیر به ویژه تشکیل جامعه اصطلاحاً مصرفی، سبب شده است که این مقوله اهمیتی دوچندان پیدا کند. بررسی اجمالی نظریه‌های مطرح شده در برخی کشورها بیانگر این موضوع است که اکثر قریب به اتفاق آن‌ها، خواه با تشبیه به نظریه تقصیر، خواه با استناد به نظریه خطر یا تضمین حق، سعی کرده‌اند تا هر چه بیشتر امکان جبران خسارت را برای زیان دیده سبب مجمل و ناشناس فراهم آورند. البته، موانع متعدد بر سر راه آن‌ها وجود دارد که در یک تقسیم‌بندی ساده می‌توان آن‌ها را زیر عنوان موانع درون حقوقی و موانع برون حقوقی ارائه کرد.

### واژگان کلیدی:

رابطه سببیت، تقصیر در سازماندهی و مراقبت، تقصیر گروهی، مسئولیت ناشی از فعل غیر، مسئولیت ناشی از فعل شی، حفاظت گروهی، قاعده همه یا هیچ، خطر صدمه، قرعه، ادله اثبات.

### مقدمه

یکی از قواعد بدیهی حاکم بر مسئولیت مدنی وجود رابطه سببیت یا علیت میان فعل زیانبار و زیان است. در جهت مقابل، مادام که زیان دیده قادر به تعیین عامل ورود زیان نیست صدور حکم به جبران خسارت و مسئول دانستن یک یا چند شخص نیز، قاعداً، میسر نخواهد بود. مقتضیات ناشی از این قاعده اثباتی به عنوان مانع درون حقوقی بر سر راه جبران خسارت شناخته می‌شود. اما، اگر زیان توسط عضوی ناشناس از یک جمع معین وارد شده باشد، فرجام دعوی جبران خسارت چه خواهد شد. آیا می‌توان دعوی شخصی را که به دلیل مصرف داروهایی که توسط چندین کارخانه بیمار شده است و اکنون این داروها با نام اصلی و نه نام تجاری به بازار مصرف عرضه شده‌اند، صرفاً به این دلیل که عاملین ورود زیان مشخصاً در دعوا معین نشده‌اند مردود اعلام کرد و از او خواست طرف دعوی خود را معین و ورود زیان از ناحیه آنان را اثبات نماید؟ از سوی دیگر، امروزه با رشد صنعت و اقتصاد می‌توان زیان‌دیده‌ای را یافت که مسلماً متحمل زیان گردیده ولی، عامل ورود زیان مجمل و ناشناس است. با این حال، زیان دیده گاه به دلیل موانع اقتصادی که برون حقوقی محسوب می‌شوند نمی‌تواند در اثبات خسارت موفق باشد. عامل ورود زیان گاه محصور در میان یک گروه معین است، مانند فرضی که خواهان به دلیل برخورد یک گلوله زخمی شده و مسلم می‌باشد که این گلوله را چهار شکارچی به طور همزمان شلیک کرده‌اند و به وی اثبات کرده است؛ به این مورد می‌توان سبب مجمل یا نامعین گفت. گاه عامل یا عاملین ورود زیان با تسامح مشخص هستند ولی، محصور در میان عده‌ای معین نمی‌باشند که به آن سبب ناشناس می‌گوییم؛ مانند فرض استفاده از داروی تولید شده کارخانه‌های ناشناس که در بالا بیان شد. این مسئله با فرضی که زیان‌دیدگان معین و مشخص نیستند متفاوت است که به آن زیان‌دیده نامعین و مجمل گفته می‌شود. در حقوق ایران حکم جدی درباره مسئولیت مدنی ناشی از سبب مجمل یا نامعین محصور در یک گروه معین و سبب ناشناس نامحصور در گروه معین وجود ندارد. حقوق دانان ما نیز تنها به سبب مجمل در گروه معین پرداخته‌اند (در این زمینه ر. ک: کاتوزیان، ۱۳۸۲ش ۲۰۴ به بعد، ص ۴۴۸ به بعد؛ و نیز: کاتوزیان، ۱۳۸۴، شماره‌های ۱۸ و ۶۶ و ۱۱۳. و نیز: جعفری تبار، ۱۳۷۵، صص ۱۴۵-۱۴۶؛ و نیز: صفری، ۱۳۷۹، صص ۵۵ به بعد) و بحث سبب ناشناس رها شده است. در این نوشته با مطالعه تطبیقی در حقوق برخی کشورها تلاش می‌شود راهکارهای مطرح برای حل و فصل قضیه را در چارچوب نظریه‌های موجود بررسی کنیم این راهکارها به ترتیب زیر بررسی می‌شوند.

### ۱. تقصیر گروهی و تقصیرهای مرتبط

برخی از آرا کشور فرانسه مسئولیت اسباب مجمل را ناشی از مسئولیت گروهی اشخاص شرکت کننده در فعالیت زیانبار دانسته‌اند. مسئولیت گروهی دقیقاً در جایی مطرح می‌شود که دو یا چند نفر در بروز خسارتی دست داشته‌اند بدون آن که بتوان تعیین کرد که کدام یک فاعل فعل زیانبار بوده است. برای توجیه مسئولیت گروهی اشخاص فاعل ناشناس محاکم این کشور به دنبال شناسایی ویژگی‌های عمل زیان باری بودند که به طور مشترک واقع شده است. از این رو، برخی آراء به وجود تقصیر گروهی یا تقصیرهای مرتبط استناد کردند. منظور از تقصیر گروهی یا تقصیرهای مرتبط تقصیری است که به طور کاملاً طبیعی اجازه می‌دهد اعضای یک گروه عامل زیان را فاعلان مشترک بدانیم (Viney&Jourdain, 1998, n 378, p 207). این آرا بیشتر مربوط به حوادث ناشی از فعالیت ورزشی یا ناشی از بازی دسته جمعی می‌باشند. از میان ورزش‌ها نیز ورزش شکار موضوع احکام صادره بود. در قضیه‌ای که توسط دادگاه بوردو در ۱۳ اکتبر ۱۹۳۶ حل و فصل شد زنی در اثر گلوله‌ای که از سوی سه شکارچی مستقر در پشت یک پرچین به سمت او شلیک شده بود، مجروح گردید. قضات دادگاه پژوهش اعلام کردند که شکارچیان با شکلی از استقرار که به روشنی از لحاظ دید کافی نبود موجب ایجاد منطقه‌ای خطرناک شده‌اند که میان آنان مشترک بوده است، از این رو، مرتکب تقصیر گروهی شده‌اند. ولی، این تصمیم نقض گردید (Viney&Jourdain. 1998, n 378, p. 207). در قضیه‌ای دیگر، هفت شکارچی تصمیم می‌گیرند مسابقه را با یک شلیک تمام کنند، نفر هشتمی که خود را کنار کشیده بود با گلوله زخمی می‌شود. دیوان عالی چنین قضاوت کرد که تیراندازان به نحو تضامن حکمی (*in solidum*) مسئول جبران خسارت زیان دیده‌اند به این جهت که: «سبب واقعی حادثه ریشه در عمل همزمان هفت خواننده‌ای دارد که در تیراندازی شرکت داشته‌اند و به دور از احتیاط و به دلیل ناشی‌گری که منتسب به همه آنان است و این عملی است که در شکار هنجاری و عادی محسوب نمی‌شود» (Civ., 5 juin 1957, D., 1957, p. 493). در مصداقی دیگر، تقصیر گروهی یا مشترک برای جبران خسارت در حکم تضامن علیه اعضای هیات مدیره شرکت در فرض خسارات ناشی از اعمال برخی از اعضای ناشناس به کار گرفته شد (Com., 26 janv. 1953, JCP, 1953. II. 7639). با وجود دوام و کاربرد نظریه تقصیر مشترک، این راه حل نمی‌توانست به عنوان راه حلی قطعی مد نظر قرار بگیرد. بدین دلیل که در بسیاری از موارد، تقصیری ارتکاب نیافته بود و لزوم وجود تقصیر برای تشبث به این نظریه، کار را برای زیان‌دیده دشوار می‌کرد. از این رو، رویه قضایی فرانسه سعی کرد تا مساله را از طریق استناد به حفاظت گروهی یا حفاظت به نحو مشترک در قالب مسئولیت ناشی از اشیا حل کند که ذیلاً بررسی می‌شود.

## ۲. مسئولیت ناشی از فعل شی؛ محافظت گروهی یا محافظت به نحو مشترک

این تنها فعل خطاکارانه انسان نیست که موجب مسولیت مدنی می‌شود بلکه فعل اشیا نیز ممکن است موجب مسولیت کسانی شود که آن‌ها را در اختیار دارند (ژوردن، ۱۳۸۲، ص. ۹۷ و ۹۸). دیوان عالی کشور فرانسه قاعده عمومی مربوط به مسئولیت ناشی از فعل اشیا را از بند ۱ ماده ۱۳۸۴، در رای مشهور «تین» استخراج کرد. این مسئولیت، بر خلاف مسئولیت ناشی از حکم ماده ۱۳۸۲ که بستر حقوقی نظریه تقصیر گروهی است، مبتنی بر تقصیر نمی‌باشد و بیان‌کننده «مسئولیت نوعی» است. بند ۱ ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی می‌گوید که شخص «پاسخگوی خساراتی است که ناشی از شی تحت حفاظت او است». حفاظت از شیء می‌تواند به صورت انفرادی یا مشترک یا گروهی باشد. مورد بحث ما در این مقال حفاظت مشترک (Garde en commun) است. حفاظت مشترک زمانی مطرح می‌شود که عده‌ای به صورت جمعی و بدون تمایز، اختیار یکسانی برای استفاده، هدایت و نظارت بر یک شیء داشته باشند (JurisClasseur Civil Code, Fasc. 150-20, n° 43). در مواردی که سبب مجمل باشد و خسارت وارده ناشی از فعل شیء باشد، از مفهوم حفاظت مشترک برای مسئول شناختن اشخاص دخیل در حادثه می‌توان استفاده کرد (Viney&Jourdain, 1998, n° 379, P. 209). رویه قضایی این کشور در مورد شکار به صورت کاملاً تصنعی اعلام کرد که گلوله‌های شلیک شده توسط شکارچیان، «دسته واحدی از گلوله‌ها» را تشکیل می‌دهند که شکارچیان مجموعاً محافظ آن بوده‌اند. دیوان عالی کشور حتی هنگامی که تنها یک گلوله به زیان‌دیده صدمه زده است، نظریه دسته واحد را بکار گرفت (Ibid. n 379, p 210). دیگر مورد اعمال این نظریه در فرض مسئولیت ناشی از حوادث بازی جمعی کودکان یا ورزش دسته جمعی است. با وجود این، لازم به ذکر است که محدودیت‌هایی در رابطه با بکارگیری نظریه حفاظت مشترک وجود دارد. نخست، زمانی که یکی از اعضای گروه موقعیت برتری نسبت به دیگر اعضا داشته باشد، وی حافظ شیء محسوب می‌شود. دوم، فرضی عمل هر یک از اشخاص متفاوت و متمایز از دیگری است. سومین حالت زمانی است که یکی از آن‌ها بتواند عدم مشارکت شیء خود در بروز خسارت را ثابت نماید. سرآخر هم این که شخص تنها دیگران را همراهی کرده باشد (Le Tourneau, 2006, n° 7872, pp. 1392-1393) در این موارد نمی‌توان به این نظریه استناد کرد.

## ۳. مسئولیت فعل غیر؛ تقصیر در سازماندهی و مراقبت یا شکل جدیدی از

### مسئولیت نوعی

این نظریه نیز در کشور فرانسه مطرح شده است. در این فرض خواهان اگر ثابت نماید زیان ناشی از عمل اشخاصی بوده است که خواننده باید به استناد ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی

پاسخگویی آن‌ها باشد، می‌تواند به اصول مسئولیت ناشی از فعل غیر یا قواعد حاکم بر مسئولیت قراردادی نسبت به دیگری استناد کند (Viney&Jourdain, 1998, n 375, p 205). به طور سنتی، دیوان عالی کشور فرانسه مسئولیت ناشی از فعل غیر را محدود به موارد احصا شده در ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی می‌دانست یعنی مسئولیت والدین نسبت به فعل کودکان خود (بند ۴)، مسئولیت کارفرمایان نسبت به فعل افراد زیردست (بند ۵)، مسئولیت معلمان نسبت به فعل شاگردان (بند ۶). این دیوان نیز در عمل تایید کرده است که برای اعمال بند ۵ ماده ۱۳۸۴ هنگامی که ثابت شده است فعل زیانبار منتسب به یکی از پرسنل او می‌باشد، تعیین فیزیکی فاعل زیان لازم نیست و یا این که به استناد بند ۴ ماده ۱۳۸۴، اولیا می‌توانند مسئول اعلام شوند، اگر زیان‌دیده ثابت کند که زیان منتسب به فعل یکی از کودکان آنان است. مبنای مسئولیت والدین نسبت به فعل کودکان خود به طور سنتی ریشه در تقصیر مفروض آن‌ها در تربیت و مراقبت از کودکان خود داشته است. اما، دیوان عالی در رای مهم «برتراند» مبنای مسئولیت والدین را از تقصیر به خطر تغییر داد. این مسئولیت نوعی یا بدون تقصیر، ریشه در «اعمال اختیارات والدین» دارد که به موجب قانون ۴ مارس ۲۰۰۲ وارد قانون مدنی فرانسه شد (Le Tourneau, 2006, n° 7402 et s., p. 1334 et s). تا قبل از رای مشهور بلیک، غیر از موارد خاص احصا شده در ماده ۱۳۸۴، مسئولیت ناشی از فعل غیر قابل تصور نبود و بند اول ماده ۱۳۸۴ در مورد این نوع از مسئولیت، تنها مقدمه‌ای بشمار می‌آمد و دیوان همواره «استقلال» این بند را رد می‌کرد. اما دیوان عالی در رای مذکور، با چرخش رویه، قاعده عمومی مسئولیت ناشی از فعل غیر را استخراج کرد. این بند می‌تواند راهگشای حل بسیاری از پرونده‌هایی باشد که در آن‌ها خسارت در اثر فعل گروهی اشخاصی بوجود آمده است که اختیار «سازماندهی»، «هدایت» و «نظارت» افعال آن‌ها بر عهده دیگری است (Le Tourneau, 2006, n° 1727, p. 462). دیوان در رای که در ۲۰ نوامبر ۲۰۰۳ صادر کرد، صراحتاً بر این موضوع تاکید کرد که یک موسسه ورزشی می‌تواند مسئول خسارت ناشی از تقصیر یکی از اعضای خود، حتی ناشناس، شناخته شود.

#### ۴. مشارکت مادی تکمیلی؛ قاعده همه یا هیچ

این نظریه در حقوق انگلستان مطرح شده است. در حقوق این کشور متن قانونی خاص راجع به مسئله وجود ندارد و دادگاه‌ها، مطابق قاعده، تنها در صورتی حکم به جبران خسارت زیان‌دیده صادر می‌کنند که رابطه علیت روشن میان عامل ورود زیان و زیان دیده وجود داشته باشد. بر همین اساس، محاکم پرونده‌های صدمات شخصی را بر اساس قاعده سنتی «برنده همه را می‌گیرد» (The winner takes all) رسیدگی می‌کردند؛ اگر دلایل موجود مثبت عمل

انجام‌دهنده کار غلط به عنوان سبب اصلی و فائق (Dominant cause) صدمه زیان‌دیده بود، او باید تمامی زیان‌های زیان‌دیده را جبران کند و اگر دلایل موجود قادر به انجام این کار نبودند، زیان‌دیده از جبران خسارت باز می‌ماند. در پرونده‌های سبب مجمل نیز دادگاه‌ها نظریه تکمیلی مشارکت مادی (Material contribution) را به کار می‌برند که به زیان‌دیده اجازه می‌دهد جبران تمامی زیان‌های خود را حتی در صورت عدم اثبات سبب اصلی بخواهد. بر اساس این نظریه، اگر فعل زیانبار مشارکت مادی در صدمه زیان‌دیده دارد، زیان‌دیده استحقاق دریافت خسارات را خواهد داشت (McGhee v National Coal Bd. [1972] 3 All ER 1008 (HL)). با این حال، معیاری برای شناسایی کیفیت مشارکت مادی وجود نداشت. همواره دادگاه‌ها درگیر این بودند که آیا فرد را محکوم به جبران تمام خسارت کنند یا خیر. پرونده فیرچیلد آخرین تصمیم مجلس لردان است که نقش اصلی را در معمای تحلیل مشارکت مادی دارد. کارگری که به غلط در مجاورت مواد سرطانزا و نزد عده‌ای کارفرما کار می‌کرد دچار سرطان می‌شود. تنها یک کارفرما است که عملاً مسئول این بیماری می‌باشد. با وجود این، هویت این تنها کارفرما نیز ناشناس بود (Fairchild, et al v Glenhaven Funeral Services Ltd, et al [2002] 3 WLR 89 (HL)). علت حادثه اگرچه به طور کلی شناخته شده بود ولی، به طور خاص ناشناخته باقی مانده بود. یکی از کارفرمایان سابق خواهان با به کار گماردن او در مجاورت پنبه نسوز به نظر می‌رسید در بیمار شدن وی به بیماری مزوتلیوما مشارکت داشت؛ بدین ترتیب از آن جایی که خواهان برای کارفرمایانی دیگر نیز کار می‌کرده است که آنان نیز چنین اشتباهی را مرتکب شده‌اند، کارفرما غیر قابل تعیین بود. مجلس لردان تصمیم گرفت که هر کارفرما به طور کامل در برابر کارگر مسئول است چراکه از روی تقصیر، خواهان را در برابر خطر ابتلا به بیماری مزوتلیوما قرارداد داده و از آن جایی که پرونده تحت شمول قاعده همه یا هیچ قرار دارد، مجلس لردان ضمناً از تحقیق پیرامون جبران خسارت به طور نسبی امتناع کرد.

##### ۵. خطر ایجاد صدمه

این نظریه نیز در حقوق کشور انگلستان مطرح شده است. در آرای هالتبی علیه بریگهام و کوان با مسئولیت محدود در سال ۲۰۰۰ (Holtby v Brigham & Cowan (Hull) Ltd [2000] 3 All (ER) 421 at 423 (CA)) و آلن علیه مهندسی ریل بریتانیا با مسئولیت محدود در سال ۲۰۰۱ (Allen v British Rail Engineering Ltd. [2001] PIQR Q 101, [2001] ICR 942 (CA)) دادگاه پژوهش مسئله سبب مجمل را به شیوه نویی حل کرد. در قضیه هالتبی خواهان به دلیل کار خود به عنوان تعمیرکار زیردریایی برای چندین کارفرما به بیماری ریوی ناشی از استنشاق گرد پنبه نسوز دچار شد. او یکی از کارفرمایان را که برای او ۱۲ سال کار کرده بود - یعنی تقریباً نیمی



از دوران کلی کار خود با پنبه نسوز - طرف دعوا قرار داد. بدین ترتیب، سبب در اینجا نامعین و مجمل بود چرا که دیگر کارفرمایانی نیز که کارگر برای آن‌ها قبلاً کار کرده بود، او را در معرض پنبه نسوز قرار داده بودند و دلیلی وجود نداشت که بتوان یکی از خوانندگان را به عنوان سبب اصلی بیماری خواهان مشخص کرد. در این قضیه، قضاات دادگاه‌های ماهوی خوانده را به پرداخت هفتاد و پنج درصد از صدمه خواهان محکوم کردند. دادگاه پژوهش این رای را تایید کرد. در قضیه آلن نیز خواهان دچار بیماری حالت لرزش انگشت سفید (Vibration White Finger) به دلیل استفاده از ابزارهای لرزشی در دوران کار نزد خواننده شده بود. این حالت شامل سفیدی دوره‌ای انگشتان به دلیل نرسیدن خون در هنگام انقباض رگ‌های خونی می‌شد. خواهان متذکر شد که خواننده باید درباره احتمال ابتلا به این بیماری به کارگران هشدار می‌داد و بدین وسیله از میزان کار کارگران با این دستگاه می‌کاست. خواهان این ادعاها را به ضابطه کارفرمای عرفا مراقب مبتنی ساخت. قضاات ماهوی در این پرونده ادعاهای فوق را فقط از زمانی که علم پزشکی، این بیماری را به عنوان یک بیماری صنعتی شناخت پذیرفتند. در نتیجه، ادعای خواهان نسبت به پیش از این زمان رد گردید. در حقیقت، کار خواهان برای کارفرمایی دیگر با ابزار لرزشی نیز مزید بر علت شده بود و سبب را مجمل می‌کرد. حقوق دانان این رای را موافق عدالت توزیعی دانستند (Porat and Stein, 2003, p 674). بدین ترتیب، می‌بینیم در هر دو پرونده هالتبی و آلن خطر صدمه مورد توجه و استفاده دادگاه قرار گرفته است. به گفته عده‌ای از حقوق دانان این دو رای موجب ادغام عملگرایی و قاعده گردید (Porat and Stein, Op.cit, p 669).

### ۶. شخصیت حقوقی اسباب مجمل و ناشناس

این نظریه در کشور فرانسه مطرح شده است. وقتی که یک گروه خود را جمعاً متعهد می‌کنند، این امر منتهی به شخصیت حقوقی عملی می‌شود که نوعی واقعیت جامعه شناختی است و حقوق نمی‌تواند موجودیت آن را انکار کند. این تفسیر مزایایی دارد از جمله اینکه موجب کاهش قلمرو مسئولیت تضامنی حکمی در فرانسه می‌شود و هر گروه مستحکم و پیوسته می‌تواند به شخصیت حقوقی نائل شود (Viney & Jourdain, 1998, n 380, p 211). با وجود این، پیروان مبنای شخصیت حقوقی عملی می‌پذیرند که در صورت احراز یک گروه هماهنگ که به دنبال فعالیت گروهی هستند اسباب مجمل به موجب تضامنی حکمی محکوم می‌شوند (Mayer, 1975, p. 197 et s., n 32 à 34).

### ۷. تضعیف رابطه علیت میان ضرر و فعل زیانبار یا عدم امکان اثبات آن رابطه

اساس بحث رابطه سببیت بر این موضوع استوار است که خواهان باید رابطه علیت میان زیان و فعل زیانبار را اثبات نماید. در این بخش محاکم آمریکایی دکترین سستی مسئولیت مدنی را به نحوی خلاقانه بکار بردند و در نتیجه دکترین جدیدی به وجود آوردند که قربانیان را قادر می‌ساخت در برخی موارد حتی بدون اثبات ورود زیان از سوی فاعل زیان خاص، خسارات خود را مطالبه کنند. با این حال عده‌ای گفته‌اند این قبیل دکترین در نخستین آزمایش‌ها تنها ابزارهای شکلی و وابسته به حقوق دادرسی هستند که موجب تغییر بار اثبات از خواهان به خواننده گردیدند. با وجود این، همان‌طوری که گفته‌اند (Gifford, p 41). اگر واقع‌گرایانه به چنین دکترینی نظر افکنیم هویدا می‌شود که به طور کلی تحمیل مسئولیت بدون اثبات رابطه سببیت، مورد توجه این نظریه‌ها بوده است؛ زیرا در عمل نه تنها خواهان، بلکه خواننده نیز نمی‌توانست اثبات کند که عمل کدام فاعل زیان منجر به زیان خاص خواهان شده است. وانگهی، برخی محاکم آمریکایی بر این نظر عقیده داشتند که خواننده بر اساس مبنای جمعی مسئول است حتی اگر بتواند ثابت کند که در واقع او مسبب زیان به خواهان خاص نبوده است (Hymowitz v. Eli Lilly & Co., 539 N.E. 2d. 1069 (N.Y. 1989)). این نظریه به چندین نظریه تقسیم می‌شود که ذیلاً تبیین می‌گردند:

#### ۷-۱) تضعیف امکان اثبات رابطه سببیت

این نظریه در حقوق فرانسه و درباره حوادث ناشی از شکار مطرح شده است. بر مبنای این نظریه حتی تیراندازی که به نحو مادی موجب بروز زیان نشده‌اند نیز باید همچون کسانی تلقی شوند که مسبب حادثه محسوب می‌شوند چراکه با شلیک همزمان تیرها امکان اثبات دعوا و شناسایی فاعل زیان ضعیف شده است و اگر این اعمال همزمان انجام نمی‌شد زیان‌دیده متحمل زیانی نمی‌گردید. پس هر شکارچی فاعل عملی است که موجب ابهام دلیل شده است (Postacioglu, 1954, p. 438.) و به نحو تضامن مسئول است. ایراد این نظر این است که از بین بردن دلیل اثبات، بر فرض صحت، نمی‌تواند عامل ایجاد مسئولیت مدنی بر اساس نظریه تقصیر باشد و در فرض ما لزوماً نظریه تقصیر حاکم بر دعوا نمی‌باشد تا بتوان بدین وسیله حکم به مسئولیت تمامی افراد کرد.

#### ۷-۲) اماره وجود رابطه سببیت (Présomption de causalité.)

راهی دیگر که به نظر ممکن می‌آید و مناسب تر به حال زیان دیدگان بود، راه حلی بود که توسط پروفیسور آزارد (Azard, 1963. 137. in D.) و سپس پروفیسور نوئل دوزان دولابتی (Noël



18733, *Dejean De la Bâtie in JCP G* 1978, 18733. مطرح شد. مطابق این نظریه، باید از طریق ایجاد اماره سببیت که شک و تردید را در مورد وجود رابطه سببیت از بین می‌برد، بحث را به جایگاه اصلی آن، یعنی اثبات رابطه سببیت منتقل کرد. مبنای این نظر بر این استوار بود که شکارچی باید بار اثبات عواقب کار نامشروع خود را نیز بر عهده بگیرد. بنابراین، باید آن‌ها را مسئول فرض کرد. دیوان عالی کشور فرانسه در برخی از آرای خود این راه حل را بکار برده است. البته شایان ذکر است که این یک فرض ساده است و خوانندگان می‌توانند با اثبات این که دخالتی در وقوع حادثه نداشته‌اند، خود را از مسئولیت مبری سازند (Le Tourneau, 2006, n° 1732, p. 463). وینی و ژوردن بر این نظر صحنه نهاده‌اند. این دو حقوقدان معتقدند که از آنجایی که دادگاه‌ها از ایجاد برخی امارات و کاهش بار اثبات محروم و منع نشده‌اند، همین که مدعی دلیل بیاورد که زیان از ناحیه عضو از یک گروه ایجاد شده است، با جمع سایر شرایط دعوی مسئولیت مدنی، باید به نفع او رای داد و بار اثبات عدم دخالت مادی اعضای گروه در زیان بر عهده هر یک از خوانندگان خواهد بود. به بیان دیگر، مسئولیت تضامن حکمی عاملین احتمالی زیان که ناشناس هستند به محض اینکه مدعی ثابت کند زیان از ناحیه شخص دیگری وارد نشده است، ایجاد می‌شود (Viney & Jourdain, 1998, n. 380, p. 213). همین که این دلیل آورده شود، خوانندگان باید خلاف آن را ثابت کنند. این تحلیل به اماره سببیت منتهی می‌شود؛ نظری که عده‌ای به طور ضمنی به آن اشاره کرده‌اند (Brun, 1993, p. 90 et s). معافیت از آوردن دلیل به نفع زیان‌دیده نباید موجب تفکیک و جداسازی مسئولین احتمالی حادثه شود. از این رو، وقتی به تضامن حکمی رای داده می‌شود که خواهان خوانندگان دعوا را گزینش نکرده باشد تا کسی را که مطمئناً مسئول زیان است از دایره مسئولیت مدنی خارج سازد. بدین ترتیب، باری، در این نظریه همان‌طوری که شاباس گفته است «سبب محصور بوده و مشخصاً مجزا نشده است». از سوی دیگر، امکان صدور حکم به مسئولیت تضامن حکمی قطعاً وجود ندارد مگر نسبت به جمعیتی که تمام اعضای آن شناخته شده و طرف دعوا باشند (Viney & Jourdain, 1998, n. 381, p. 214). همین دیدگاه است که بعدها، زمینه ساز پیدایش «تعهد نسبت به امنیت» بر عهده فرشتگان حرفه‌ای در زمینه کالاهای معیوب می‌شود که در بندهای آتی درباره آن بیشتر بحث خواهیم کرد.

### ۳-۷) مسئولیت سهم بازار

به قول فیشر شاید بتوان گفت یکی از راهکارهای قضایی دلفریب برای شارحان آکادمیک حقوق همین نظریه مسئولیت سهم بازار (O DIVERGENCE) می‌باشد (Fischer, 1981, p. 42) که ریشه در تصمیم رای دادگاه عالی کالیفرنیا در پرونده سیندل علیه آبوت لابراتوریز

(Sindell v. Abbott Laboratories, 607 P.2d 924 (1980)) دارد. این دادگاه چنین حکم کرد که «هر خواننده مسئول سهمی از مسئولیت است که گویای سهم او در آن بازار می باشد مگر این که اثبات نماید نمی توانسته کالایی که موجب صدمه خواهان شده است را بسازد». در این رای بنا بر ادعای دادگاه عالی که منتهی به مسئولیت هر یک از سازندگان می شود توجه بر صدماتی است که از تولیدات او ایجاد شده است حتی اگر اعمال زیانبار خواننده ای معین از لحاظ رابطه سببیت هیچگاه مرتبط با صدمه وارده به زیان دیده معین نباشد. دادگاه رای خود را چنین توجیه نمود که بر اساس اهداف ابزاری که شامل هدف کاهش دادن امکان ورود زیان می شود: «سازنده در بهترین موقعیت برای کشف و تامین عیوب کالای خود و نیز پرهیختن دیگران از آثار زیانبار آن قرار دارد. بدین ترتیب، مسئول شناختن او نسبت به این آثار و نیز نسبت به اجتناب از آثار زیانبار آن، به تهیه تولیدات سالم منتهی خواهد شد». وانگهی این دیدگاه بازتاب دهنده هدف ابزاری توزیع زیان نیز است: «از منظر یک سیاست گسترده تر، خوانندگان بهتر می توانند هزینه صدمات ناشی از ساختن تولید معیوب را تحمل کنند». دادگاه همچنین به عدالت استناد می کند و می گوید: «چرا که بین یک خواهان بی گناه و خواننده مقصر، شخص اخیر بهتر می تواند هزینه زیان را تحمل کند». از آنجایی که اگر خواننده ثابت کند که واردکننده زیان به زیان دیده ای خاص نبوده است می تواند از مسئولیت معاف شود، امکان دارد قضیه سیندل را به عنوان نظریه ای تفسیر نمود که صرفاً بار اثبات در مسئله سببیت را به عهده خواننده قرار می دهد. با وجود این، در قضیه هیموویتز علیه الی لی و شرکا (Hymowitz v. Eli Lilly & Co., 539 N.E.2d 1069 (N.Y. 1980)). دادگاه پژوهش نیویورک در صورتی حکم به مسئولیت گروهی به دلیل ایجاد خطر با لحاظ نظریه مسئولیت سهم بازار کرد که خواننده ای خاص از شرکت های تولید کننده داروی DES،<sup>۱</sup> می توانست ثابت کند که تولید او سبب صدمه زیان دیده ای خاص نبوده است: «چون مسئولیت در اینجا مبتنی بر تمامی خطرهای ایجاد شده است و نه سببیت در پرونده، اثبات بی تقصیری خواننده ای که اگرچه عضو بازار تولید داروهای DES بوده ولی، ظاهراً سبب زیان خواننده ای خاص نبوده است، موثر در مقام نیست. این که او بتواند از مسئولیت، صرفاً به این دلیل که قرصی مشخص را ساخته است و یا این که به داروخانه ای خاص فروخته است رهایی یابد، صرفاً ایجاد نفعی دور از انتظار برای سازنده است. این اتفاقات به هیچ وجه موجب کاهش مسئولیت خواننده برای بازار کالای خود که در اینجا مبنای مسئولیت است، نمی شود» (Hymowitz, 539 N.E.2d at 1078). بدین ترتیب، این

۱. توزیع زیان بخشی از چیزی است که کالابرسی به آن پرهیز هزینه دوم (secondary cost avoidance) می گوید.

۲. دارویی که از لحاظ پزشکی برای جلوگیری از تولد زودرس کودکان مادران در دوران حاملگی تجویز و استفاده می شد ولی پس از تولد کودکان این اشخاص دچار مشکلات باروری می شدند و دختران آنها با خطر شدید ابتلا به سرطان مواجه بودند.

دادگاه مهر تاییدی بر «فقدان ارتباط منطقی بین مسئولیت و سببیت در چنین پرونده‌هایی زد». علی‌رغم وجود تحقیقات دانشگاهی قابل ملاحظه دربارهٔ مسئولیت سهم بازار، این مفهوم عملاً جز در خصوص داروهای DES با عدم پذیرش کلی در دادگاه‌ها روبرو شده است. در بیان تفاوت این نظریه با نظریهٔ ایجاد خطر باید به دو نکته اشاره کرد که **اولاً اعمال نظریه خطر** مقید به ورود ضرر نیست و هر شخص که در معرض خطر قرار گرفته است می‌تواند جبران خسارت را بخواهد؛ ثانیاً اعمال نظریهٔ خطر با لحاظ نکتهٔ فوق منتهی به افزایش امکان طرح دعاوی بی‌شمار می‌شود و هر کس که در معرض چنان خطری قرار گرفته است می‌تواند همان خسارت را مطالبه کند. در جهت مقابل، در نظریهٔ مسئولیت سهم بازار ورود ضرر شرط تحقق مسئولیت مدنی است و ایرادات فوق را ندارد. (Geitsfeld, 2006, pp 104.)

#### ۷-۴) سببیت همزمان که از آن زیانی مسلم ایجاد می‌شود

در بارهٔ این نظریه باید گفت در کامن لا سنتی هنگامی که اعمال زیانبار دو یا چند خواننده هر یک سبب ورود زیان مسلم به خواهان است در این صورت خوانندگان مشترکا و منفردا مسئول هستند. (Concurrent Causation Resulting in Indivisible Harm.) زیرا عمل هر خواننده سبب واقعی صدمه خواهان بوده است و این امر به روشنی نمونهٔ جبران خسارت بدون اثبات رابطهٔ سببیت است. با وجود این، در دهه‌های اخیر اغلب نظریهٔ سببیت همزمان را در اسباب ناشناس یعنی اسبابی که محصور در عده معین نیستند به کار برده‌اند. در قضیهٔ روترفوردر علیه اوون ایلینویز به عنوان مثال دادگاه عالی کالیفرنیا در دعوی جبران خسارت ناشی از مجاورت با پنبهٔ نسوز حکم کرد که لازم نیست خواهان با دقت پزشکی ثابت کند که فیبرها از کالای حاوی پنبهٔ نسوز خواننده و یا اشخاصی که خواننده عضو آن می‌باشد بوده است که عملاً موجب وخامت فعالیت سلول‌های سرطانی گردیده است. دادگاه با توجه به صعوبت بحث استدلال کرد که خواهان نمی‌تواند از لحاظ علمی جزئیات سرطان را اثبات کند و یا این که اثر مجرای ناشناختهٔ فیبر پنبهٔ نسوز را مشخص نماید. وانگهی دادگاه حکم کرد که خواهان می‌تواند سببیت را در قضیهٔ سرطان ناشی از پنبهٔ نسوز با نشان دادن این که او در معرض کالای حاوی پنبهٔ نسوز خواننده قرار گرفته است ثابت کند به نحوی که احتمالات معقول پزشکی عامل اساسی برای مشارکت دوز افزودهٔ پنبهٔ نسوز بوده است و خواهان یا متوفی آن را استنشاق کرده یا خورده است و در نتیجه با توجه به خطر توسعه سرطان ناشی از پنبهٔ نسوز، نیازی به اثبات این که فیبرها ناشی از کالای خواننده‌ای خاص یا از میان خواندگانی خاص بوده که عملاً موجب رشد بدخیمی شده است. بنابر رای دادگاه، این سازندگان مسئولیت مشترک دارند. (Gifford. pp. 45-46.)

## ۷-۵) مسئولیت جایگزینی

شماری از دادگاه‌ها سازندگانی را که خواننده قرار می‌گرفته‌اند مطابق نظریهٔ مسئولیت جایگزینی (Alternative Liability) برای بیماری‌های پنهانی زیاندیدگان خاص محکوم می‌کردند حتی اگر خواهان از اثبات این که تولید کدام سازنده به وی صدمه زده است، عاجز بود. برای نمونه در این رای دادگاه بار اثبات فقدان سببیت را به سازندگان تحمیل نموده است (Menne v. Celotex Corp., 861 F.2d 1453 (10<sup>th</sup> Cir.1988)). منشا نظریهٔ مسئولیت جایگزینی مرتبط با پروندهٔ قدیمی سامرز علیه تیس (Summers v. Tice., 199 P.2d 1 (Cal. 1948)) است که در آن یک شکارچی هنگامی که در حال شکار بلدرچین بود توسط یکی از دو شکارچی همراه خود از ناحیهٔ چشم و صورت زخمی شد. زیان‌دیده می‌توانست ثابت کند که هر دو خواننده از روی تقصیر شلیک کرده‌اند، ولی نتوانست ثابت کند که شلیک کدام خواننده در واقع سبب حادثه بوده است (Geitsfeld, 2005., pp 108 ets.). دادگاه عالی کالیفرنیا حکم کرد از آنجایی که این دو خواننده، اگرچه یکی از آن دو مستقلاً عمل می‌کرده است، از روی تقصیر علیه خواهان عمل کرده‌اند، بار اثبات این که عمل تقصیرکارانهٔ آن‌ها سبب زیان خواهان نبوده است، بر عهدهٔ آن‌ها است. این قاعده بسیار مقبول شد. به طور خلاصه، در نظریهٔ جایگزینی خواهان لازم نیست به طور خاص هویت فاعل زیان را مشخص کند. در صورت عدم انکار، خوانندگان به طور گروهی مسئولند. در عرصهٔ جدید، زیاندیدگان در صدد گسترش امکان اعمال این نظریه هستند. از سوی دیگر، توجه به مسئولیت جایگزینی در مسئولیت مدنی تولیدات انبوه از منظر فنی غیر قابل تعرض است. همان‌طور که قاضی وین استین می‌گوید: «در قضیهٔ مسئولیت ناشی از تولیدات گروهی... رها کردن این ضابطه که خواهان باید خوانندهٔ خاص را معین کند با این اصل که هر کس باید مسئول زیان‌های ناشی از عمل خود باشد سازگار نیست. هنگامی که خواهان می‌تواند سببیت کلی و عمومی را ثابت کند مثل این که او از نوعی کالا یا ماده‌ای که توسط خوانندگان ساخته شده زیان دیده است، و هنگامی که درصد زیان ناشی از اعمال خوانندگان تعیین شود به اصل فوق لطمه وارد نمی‌شود». مسئلهٔ دومی که در تولیدات گروهی

۱. رک: بند ۳ پاراگراف ۴۳۳ ب اصول حقوقی دوم دربارهٔ مسئولیت مدنی تدوین سال ۱۹۶۵ تأثیر نهاد: «هنگامی که خواهان تمام دو یا چند خواننده‌ای را که عمل زیانبار آن‌ها خواهان را در معرض خطر قرارداد طرف دعوا قرار داده است و اثبات کرده که عمل زیانبار یک یا چند خواننده منجر به زیان خواهان شده است ولی نتوانسته به نحو متعارف ثابت کند که کدام خواننده عامل زیان بوده است، بار اثبات که شامل فراهم آوردن دلیل و متقاعد کردن است، نسبت به سببیت عملی بر عهدهٔ خوانندگان است» (Geitsfeld, 2005. p 109). همچنین بند ب پاراگراف ۲۸ اصول حقوق سوم مسئولیت مدنی (لایحهٔ پیشنهادی شماره ۲، سال ۲۰۰۲)، می‌گوید: «هنگامی که عمل دو یا چند فاعل، زیانبار است و این امر اثبات شده است که زیان خواهان تنها توسط یکی از آن دو ایجاد شده است ولی نسبت به این که کدام یک آن دو زیان را ایجاد کرده است ابهام وجود دارد، بار اثبات بر عهدهٔ هر یک از این فاعلان است که ثابت کند او زیان را ایجاد نکرده است».

ایجاد شده است ولی در قضیه سامرز مورد توجه نبوده این است که آیا تمام خوانندگان احتمالی که کالا تولید آن‌ها بوده است به زیان‌دیده زیان رسانده‌اند و یا این که زیان‌دیدگان تمام خوانندگان را طرف دعوا قرار داده‌اند؟ محاکم اغلب محکوم کردن خوانندگان سازنده را که در آن خواهان نمی‌تواند ثابت کند که یکی از خوانندگان واقعاً کالا را ساخته است به طور مشترک و منفرد ناعادلانه می‌بینند زیرا تمام خوانندگان طرف دعوا نبوده‌اند. با وجود این، دادگاه‌های دیگر بیشتر موقعیت زیان‌دیده را درک کرده‌اند و بر خواننده تعهد تا حدی غیرممکن طرح دعوا علیه همه تولید کنندگان را تحمیل نکرده‌اند. به جای آن همین که خواهان تلاش واقعی خود را برای تشخیص و شناسایی واردکننده زیان مسئول صدمه به کار بسته باشد (Abel, 343 N.W.2d at 173) کافی تشخیص داده شده است. به طور خلاصه، مگر در پرونده‌هایی که نوعاً منجر به مسئولیت مدنی ناشی از تولیدات گروهی است این نظریه می‌تواند برای احراز رابطه سببیت موثر باشد. این نظریه برخلاف نظریه مسئولیت سهم بازار تقریباً توسط تمامی محاکم آمریکایی پذیرفته شده است (Geitsfeld, pp 101 ets).

#### ۶-۷) مسئولیت گسترده کارخانه یا بنگاه

سه راهکار مسئولیت سهم بازار و سببیت همزمان و مسئولیت جایگزینی برای احراز مسئولیت جمعی سازندگان تولیدات ارائه شده بود که قبلاً بیان شد و همگی نسبت به موقعیتی اعمال می‌شوند که در آن هر یک از سازندگان تولیدات گروهی یا وارد کنندگان احتمالی زیان به نحو مستقل یا در موازات دیگران عمل می‌کردند. دو نظریه باقی مانده مسئولیت جمعی یعنی مسئولیت گسترده کارخانه یا بنگاه (Enterprise or Industry-wide Liability) و هماهنگی عمل یا تبانی مدنی نظریه‌هایی هستند که در آن خوانندگان سازنده **مشترکاً یا با همکاری دیگری** عمل کرده‌اند. در قضیه هال علیه ای آی دی پونت دی نومورس و شرکا قاضی جک وین استین شش سازنده کپسول‌های دمش باد و وابستگان تجاری آنان را مشترکاً و منفرداً بر اساس نظریه مسئولیت بنگاه محکوم کرد (که بعدها به آن مسئولیت گسترده کارخانه گفتند) (Sindell v. Abbott labs, 607 P.2d 924, 934 (Cal. 1980)). تا خسارات کودکان که ناشی از هجده حادثه جداگانه بود، جبران شود. بر اساس رای مبتنی بر ندادن «هشدار مناسب» بود با وجود این، از زمان تصمیم قاضی وین استین دادگاه‌ها عملاً مسئولیت بر اساس بنگاه یا مسئولیت گسترده کارخانه را رد کردند.

### ۷-۷) تبانی مدنی و هماهنگی عمل

دادگاه‌های امریکایی در آغاز دهه ۱۹۸۰، شروع به استفاده از مفهوم هماهنگی عمل و تبانی مدنی (Civil conspiracy and Concert of action) کردند تا سازندگان کالاها جمعاً مسئول زیان‌دیده یا زیان‌دیدگان زیان کالاهای خطرناک آن‌ها باشند حتی هنگامی که رابطه سببیت را نمی‌توانستند میان سازنده و زیان‌دیده خاص احراز کنند. به عنوان مثال، دادگاه میشیگان در قضیه ابل علیه الی لی و شرکا احراز کرد که خواهان‌ها ادعاهایی کافی برای دعوای هماهنگی عمل خود ارائه کردند علی‌رغم مسئولیت آن‌ها برای تعیین سازنده خاص داروی DES. بر اساس نظریه هماهنگی عمل، سازندگان تولیدات را می‌توان مشترکاً و منفرداً مسئول قرارداد اگر آن‌ها به طور هماهنگ عمل کرده‌اند؛ بدین معنا که اگر آن‌ها از طرح یا نقشه‌ای مشترک استفاده نموده‌اند، مسئولند. برخی محاکم تبانی مدنی را معادل هماهنگی عمل تلقی کرده‌اند (Aetna Casualty Sur. Co. v. P & B Autobody, 43 F.3d 1564 (3d Cir. 1994)) و دیگر محاکم میان آن دو مفهوم تمایز قائل شده‌اند بر این اساس که تبانی مدنی مستلزم انجام عمل زیانبار مشترک در قصد انجام هدفی غیر قانونی است ولی مسئولیت مدنی ناشی از هماهنگی عمل صرفاً لازم می‌دارد که عاملین زیان در حالی که به طور هماهنگ عمل می‌کنند فعل زیانباری انجام دهند (Doe v. Baxter Health Corp., 178 F. Supp. 2d 1003, 1020 (S.D. Iowa)). دادگاه‌ها هنگامی که ثابت شود توافق ضمنی میان سازندگان در ارتکاب عمل زیانبار وجود دارد به راحتی سازندگان را بر اساس هماهنگی عمل محکوم می‌کنند. به عنوان مثال در قضیه بیچلر علیه الی لی و شرکا (Bichler v. Eli Lilly & co., 436 N.E.2d at 188) دادگاه به این نتیجه رسید که نیازی نیست خواهان‌ها اثبات کنند که بین تولیدکنندگان داروی DES توافق صریح وجود دارد. صرف احراز توافق ضمنی کافی است. این نظریه برای صدور حکم به مسئولیت سازندگان در بسیاری موارد بکار گرفته شده است مانند دعوای تنباکو در اوایل دهه ۱۹۹۰ به هر حال، این نظریه تنها زمانی اجرا می‌شود که حداقل نوعی قرارداد میان سازندگان در انجام فعل زیان بار احراز شود (Gifford., 2005, pp 51-53).

### ۸. از دست دادن بخت سلامتی

همان‌طور که دیدیم در قضیه اسکولا نیز قاضی ترینور هزینه صدمه و از دست دادن وقت یا سلامتی را نوعی **بخت بد قاطع** برای زیان‌دیده دانست. بر همین اساس در کشور هلند ظاهراً به این نظر تمایل وجود دارد. در هلند اگرچه دستور اروپایی در خصوص تولیدات معیب (Council Directive of 25 July 1985. ( 85/734/EEC.)) پذیرفته شده است ولی، این دستور فاقد حکمی در این زمینه است. از این رو، یکی از دادگاه‌های این کشور به ماده ۶:۹۹ قانون مدنی



استناد کرد که می‌گوید: «هنگامی که زیان می‌تواند از دو یا چند واقعه ایجاد شده باشد که برای هر یک شخص متفاوت مسئول است و هنگامی که مشخص شده است که این خسارت حداقل ناشی از یکی از این عوامل بوده است، جبران خسارت بر عهده هر یک از این اشخاص قرار می‌گیرد مگر این که او اثبات نماید که این خسارت ناشی از واقعه‌ای نیست که او مسئول آن می‌باشد». مطابق تصمیم این دادگاه لازم نیست که خواهان تمام خواندگان احتمالی را معین کند و طرف دعوا قرار دهد. این ماده وقتی اجرا می‌شود که خواهان ثابت نماید: (۱) تولید کننده طرف دعوا دارو را در زمان مربوطه عرضه کرده است و آنان برای انجام این کار مسئولند؛ (۲) دیگر تولید کنندگان نیز چنین کرده‌اند؛ (۳) خواهان در نتیجه استفاده از این دارو متحمل زیان شده است ولی، نمی‌تواند اثبات کند که این دارو از کدام تولید کننده تهیه شده است. اگر این شرایط رعایت شوند طرف‌های فراخوانده شده به این دعوا مشترکا مسئولند. عامل ارتباط این است که زیان‌دیده بخت خود را از دست داده است و متحمل زبانی شده است که عامل آن را نمی‌توان معین کرد ((HR 9 October 1992, NJ 1994, 535, note CJHB (DES)). مع هذا، این اقدام با این ایراد مواجه شد که تولید کننده باید مسئول خسارت بیشتر باشد خسارتی که بسیار وسیع‌تر از زیان ایجاد شده است. دادستان کل این کشور در پاسخ به این ایراد و در حمایت از این اقدام به رای سپندل علیه آبوت لاپراتوریز که توسط دادگاه عالی ایالت کالیفرنیا در سال ۱۹۸۰ در همین موضوع صادر شده بود و نظریه مسئولیت سهم بازار را در این فرض مقرر می‌داشت استناد کرد که ما پیش از این از این آن سخن گفتیم (Fairgrieve, 2005. p 136, note 36) ولی، ایراد دیگری که دادگاه هوگ راد بدان توجه کرد این بود که مسئولیت سهم بازار می‌تواند به نادرست، خطر ورشکستگی و عدم توانایی مالی تولید کننده را در برابر زیان‌دیدگان به همراه داشته باشد. در پاسخ به این ایراد گفته‌اند خطر ورشکستگی حتی در فرض احراز رابطه سببیت نیز قابل تصور است پس نمی‌تواند دلیلی برای عدم صدور چنین رای‌ی باشد (Fairgrieve, 2005. p 37, note 37).

## ۹. قاعده قرعه

شاید بتوان گفت به راحتی می‌توان با اعمال قرعه شخص مسئول حادثه را شناسایی کرد از این همه تکلف جان به در برد. مشهور نیز گفته‌اند قرعه برای هر امر مشکل است و هر جا به مشکلی برخوردیم، از جمله شناسایی سبب حادثه، قابل اعمال است. گویی محاکم ایران نیز برای شناسایی مسبب حادثه بدنی از آن استفاده کرده‌اند (شکاری، ۱۳۷۳، ص ۳۶). ماده ۳۱۵ قانون مجازات اسلامی نیز در این باره قابل توجه است. درباره مجرای قرعه نیز گفته‌اند قرعه در هر صورت در دو جا اعمال می‌شود: یک حقی که فی الواقع معین بوده بر ما به دلیل عارض مشتبه

شده است و دوم امر بین دو شی یا بیشتر مردد باشد و در واقع نیز معین بوده است در این صورت برای تعیین آن به قرعه استناد می‌کنیم (نراقی، بی تا، ص ۶۵۸). مورد اخیر می‌تواند ناظر به سبب مجمل محصور در گروهی معین باشد که در راستای ماده ۳۱۵ نیز است. برخی از محققان نیز موارد استفاده از قاعده قرعه را در آثار فقهای پیشین بر شمرده‌اند که سی و دو مورد احصا شده است (لنکرانی، بی تا، صص ۲۱ به بعد). از سوی دیگر گفته‌اند اجرای قرعه فقط در شبهات موضوعی ممکن است نه احکام (خراسانی، جلد ۴، ص ۶۷۹ به نقل از: شکاری، ۱۳۷۳، ص ۳۸). در هر صورت، اگر بین دو یا چند سبب مجمل محصور تردید شود می‌توان از این قاعده استفاده کرد.<sup>۱</sup> اما پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا صدور حکم به استناد قرعه موافق عدالت توزیعی است یا خیر. آیا می‌توان گفت کسی که قرعه به او اصابت کرده است حتماً مسئول حادثه است. آیا قرعه را می‌توان در فرض سبب ناشناس اجرا کرد. این‌ها پرسش‌هایی است که ذهن هر محقق را به خود مشغول می‌دارد. به نظر می‌رسد از آنجا که همواره این احتمال وجود دارد که اجرای قرعه موجب بی‌عدالتی شود و با توجه به این که در حجیت اعمال این قاعده بین فقها اختلاف وجود دارد<sup>۲</sup> و اساساً اعمال این قاعده مساوی است با عدم توجه به خطر ایجاد شده و نحوه مشارکت اسباب در ورود خسارت و همچنین سستی در تحقیقات دادگاه‌ها در کشف حقیقت، از این رو، کمتر مورد توجه حقوق دانان و محاکم ما بوده است و تا حد امکان از آن پرهیز کرده‌اند.

### ۱۰. تعیین تکلیف توسط قاضی و حاکم شرع

این نظریه نیز در حقوق ما ارائه شده است. بر اساس آن، قاضی با توجه به ولایت شرعی که دارد اگر نتواند طرفین را به مصالحه دعوت کند، قادر است بر مبنای این ولایت حکم به توزیع خسارت وارد شده بدهد. در این صورت، پیشنهاد شده است برای جلوگیری از هرج و مرج و به منظور فصل خصومت، با فرض مسئولیت مشترک برای خواندگان، هر یک را مسئول جبران نسبتی مساوی از خسارت تلقی کند (صفری، ۱۳۷۹، ش ۱۸، ص ۷۹). این نظر که تا حدود زیادی شبیه نظریه نوئل دوژان دولابتی در خصوص ایجاد اماره سببیت است صرفاً به مسئولیت اسباب مجمل اختصاص دارد و به سختی می‌توان آن را به سبب ناشناس سرایت داد. وانگهی، از این نظر به راحتی می‌توان برای اجرای نظریه‌هایی که حتی موافق عدالت نیستند استفاده کرد. به عبارت دیگر، مجرای این نظریه بسیار وسیع بوده و بیشتر به قالبی می‌ماند که هنوز راه

۱. «قرعه بین معلوم و مجهول کشیده نمی‌شود». نظریه شماره ۱۳۷۸/۱۲/۹ - ۷/۶۱۹۹۴ اداره حقوقی قوه قضاییه.

۲. شیخ انصاری ره معتقدند به ادله قرعه عمل نمی‌شود مگر آن که عموم آن‌ها با عمل اصحاب یا جماعتی از آنان جبران شده باشد. به نقل از: شکاری، ۱۳۷۳، ص ۳۸.

حل نهایی را فرا روی قاضی نگذاشته و وی را از بلا تکلیفی ایجاد شده خارج نکرده است. می‌توان گفت این نظریه تاثیر شگرفی در چگونگی حل مسئله سبب مجمل و ناشناس ندارد.

### ۱۱. تعیین تکلیف توسط قانون‌گذار

صعوبت اثبات فعل زیانبار یکی از اسباب مجمل و ناشناس موجب شد در کشورهای مختلف رویه قضایی و دانایان حقوق به تکاپو افتند و در صدد راه حلی در خور باشند. در فرانسه هنگامی که شخص به هیچ روی قادر به اثبات نیست تنها می‌تواند به تعهداتی که به نفع او توسط سازمان‌های تامین اجتماعی زیر پوشش ارائه می‌شود استفاد کند (حقوق تامین اجتماعی، قانون مستمری و....)، و یا این که به سراغ تعهدات قراردادی برود (بیمه‌های خویش فرما)، (Viney & Jourdain, 1998, p 204, n 374). با وجود این، در این کشور برای برخی از اقسام زیان، قانون به طور خاص راهکاری را پیش بینی کرده است که به نحو محدود، هنگامی که فاعل زیان ناشناس است برای جبران خسارت، وارد عمل شود. قانون بیمه شامل تضمین جبران خسارت زیان‌دیده تصادفات جاده‌ای می‌شود که مسئول حادثه اش مشخص نیست (Art. L. 421-1 et s. du Code des assurances). این راهکار به موجب قانون ۱۱ ژوئیه ۱۹۶۶ نسبت به حوادث ناشی از شکار نیز تسری یافت (Art. 366 ter du Code rural). قانون ۲۱ دسامبر ۱۹۶۸ مبنای جبران خسارتی را ایجاد کرد که در خصوص خسارات وارد به محصولات توسط گراز یا حیوانات شکاری بزرگ به زیان‌دیدگان اجازه می‌دهد جبران خسارت را بدون تعیین مسئول ورود زیان بخواهند (Art. L. 226-1 du Code rural). در مسائل دیگر، قانون ۳ ژانویه ۱۹۷۷ که بارها تغییر یافته است به هزینه دولت، جبران خسارات زیان‌دیدگان برخی تخلفاتی را که فاعل زیان آن شناسایی نشده را اجازه داده است (Art. 706-3 à 706-14 du Code de procédure pénale). وانگهی، قانون ۹ دسامبر ۱۹۸۶ امکان جبران شایسته زیان زیان‌دیدگان اعمال تروریستی را مقرر می‌کند (Art. L. 126-1 et L. 422-1 à 422-5 du Code des assurances) که صلاحیت آن نیز به زیان‌دیدگان دیگر جرائم به موجب قانون ۳۱ دسامبر ۱۹۹۰ گسترش یافته است. در پایان باید از قانون ۳۱ دسامبر ۱۹۹۱ در حقوق این کشور سخن گفت که نوعی مبنای جبران خسارت را به نفع زیان‌دیدگان ویروس ایدز از طریق آلودگی انتقال خون مقرر نموده است. در زمینه مسئولیت ناشی از کالاهای معیوب تحولات حقوق فرانسه محصول فشارهای اعمال شده از سوی دیوان دادگستری اروپایی بود که موجب دگرگونی راه حل این قبیل کالاها شد. نگارش اولیه ماده ۷-۱۳۸۶ قانون مدنی فرانسه، با قبول راه حل ارائه شده توسط دیوان، مقرر می‌داشت که «هر فروشنده، موجد به استثنا موجد به تملیک یا هر موجد دیگری که در حکم فرد اخیر باشد، یا هر عرضه کننده حرفه‌ای دیگر، نسبت به عیب امنیتی کالا تحت همان

شرایطی که تولید کننده مسئول است، مسئول خواهد بود.» محکومیت فرانسه در ۲۵ آوریل ۲۰۰۲ در دیوان دادگستری اروپایی منجر به تجدیدنظر در این قانون شد و قانون‌گذار فرانسوی، مسئولیت فروشندگان را مقید به ناشناس بودن تولید کننده (سبب اصلی) کرد. اما، این راه حل نیز موجب محکومیت دوباره در دیوان دادگستری اروپایی در تاریخ ۱۴ مارس ۲۰۰۶ گشت (Rigaux, Europe, n° 5, Mai 2006, comm. 143). این محکومیت‌های متناوب سبب شد تا ماده ۷-۱۳۸۶ به شکل امروزی خود درآید (Grynbaum, 2006, act. 185). در حقیقت، می‌توان گفت این ماده محصول مقتضیات اقتصاد آزاد و تلاش برای ایجاد بازار مشترک رقابتی در اتحادیه اروپایی می‌باشد. در کشور ما نیز اقداماتی از این دست انجام شده است؛ صندوق تامین خسارت‌های بدنی که در ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری مسئولیت دارندگان وسیله نقلیه موتوری زمینی پیش بینی شده است، به منظور جبران خساراتی است که به علت فرار کردن یا شناخته نشدن مسئول حادثه پرداخت آن را از راه بیمه امکان ندارد. ماده ۲۵۵ قانون مجازات اسلامی نیز در خصوص مرگ ناشی از ازدحام در صورتی که برای قاضی قرائن ظنی قتل او به شخص یا جماعتی قابل انتساب نباشد، پرداخت دیه را عهده بیت المال نهاده است. همچنین، در فرضی که جسد مقتولی در شارع عام پیدا شود، پیش از این درباره ماده ۳۱۵ این قانون نیز سخن گفته شد. با این حال، گاه تضمین حق مورد حمایت ایجاد می‌کند که اشخاص متعددی که سبب حادثه نبوده‌اند مسئول جبران خسارت ناشی از آن شوند؛ چنان که در مورد تلف مال مغضوب، همه غاصبان مسئول خسارت مالک می‌شوند، هر چند که هیچ دخالتی در این اتلاف نداشته باشند (ماده ۳۱۷ قانون مدنی). همچنین است مسئولیت تضامنی ظهرونیسان با صادر کننده برات (ماده ۲۴۹ قانون تجارت) (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ش ۲۰۹، ص ۴۵۸). بدین ترتیب می‌توان گفت نسبت به حقوق خارجی اقدامی مهم از سوی قانون‌گذار ما در این زمینه دیده نمی‌شود.

### برآیندها

پس از بررسی اجمالی نظریه‌ها و راهکارهای فوق شاید بتوان گفت که دو مانع اساسی پیش پای زیان‌دیده برای جبران خسارت وجود دارد: اول موانع درون حقوقی و دیگر موانع برون حقوقی. بروز بیرونی موانع درون حقوقی، در حقیقت، در مساله اثبات رابطه سببیت است. اما نوع دیگر موانع پیش روی زیان دیدگان، موانع برون حقوقی است که ریشه در نقش اقتصاد در این مساله دارد. قانون‌گذار و دادگاه‌های خارجی، خواه صراحتاً و خواه تلویحاً، به دنبال راه‌حلی می‌گردند که بیشترین هم‌خوانی را با مقتضیات اقتصادی داشته باشند و از لحاظ عملی بیشترین بهره را به اقتصاد کشور در سطح کلان برسانند. این گرایش باعث می‌شود که دادگاه‌ها از این که بنگاه‌های اقتصادی را در معرض خطر درخواست‌های متعدد

جبران زیان قرار دهند، خودداری کنند. از سوی دیگر هم، این مساله باعث می‌شود که بنگاه‌های اقتصادی به سمت بیمه‌های مسئولیت سوق پیدا کنند که فی نفسه باعث افزایش هزینه‌های تولید می‌شود. با تمام این اوصاف، هنر حقوقدانان دستیابی به راه حلی میانه است تا نه چرخ اقتصاد از حرکت باز ایستند و نه زیان دیده از جبران خسارت باز ماند. بنابراین، در حقوق ایران نیز نباید خود را دل خوش به نظریه های غیر علمی چون قرعه نمایم و مقابل پویایی علم حقوق بایستیم. شکی نیست که حقوق ما نیازمند دخالت قانون‌گذار در این زمینه است ولی، دادرسان می‌توانند به عنوان نمونه با لحاظ خطر ایجاد شده، در این‌گونه مسائل مسئولیت را متوجه اسباب مجمل و حتی ناشناس کنند و از آن‌ها دلیل عدم دخالت در ورود زیان را بخواهند. به عبارت بهتر، با توجه به اوضاع و احوال حاکم بر هر قضیه، مشارکت اسباب مجمل و ناشناس را در ایجاد خطر ورود صدمه بپذیرند و حکم به مسئولیت گروهی به نسبت میزان ایجاد خطر از سوی هر یک نمایند. این راهکار موجب می‌شود تعادلی میان حقوق زیان‌دیده و وارد کنندگان احتمالی زیان ایجاد شود.

## منابع و مأخذ

### الف- فارسی

۱. جعفری تبار، حسن، (۱۳۷۵) مسئولیت مدنی سازندگان و فروشندگان کالا، تهران: دادگستر.
۲. ژوردن، پاتریس، (۱۳۸۲) اصول مسولیت مدنی، ترجمه و تحقیق مجید ادیب، با مقدمه سید حسین صفایی، تهران: میزان.
۳. شکاری، روشنعلی، (۱۳۷۳) بحثی پیرامون ماده ۳۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۳۲، تیر ماه ۱۳۷۳.
۴. صفری، محسن، (۱۳۷۹) مسئولیت مدنی سبب مجمل، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴۹، پاییز.
۵. الفاظی اللنگرانی، (بی تا) قاعده القرعه، قم: مرکز فقه الائمه الاطهار ع.
۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲) حقوق مدنی، الزامات خارج از قرارداد (ضمان قهری)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، جلد اول.
۷. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۲) مسئولیت ناشی از عیب تولید، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
۸. ملا احمد نراقی، (بی تا) عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام و مهمات مسائل حلال و حرام، یک جلدی، بی نا، بی تا، عانده ۶۲.

### ب- خارجی

- 1- ABERKANE, H., (1958), *Du dommage cause par une personne indéterminée dans un groupe déterminé de personnes*, RTD civ.
- 2- BRUN, Ph., (1993), *Les présomptions dans le droit de la responsabilité civile*, th. Grenoble.
- 3- CALAIS-AULOY, Jean, (2002), *Menace européenne sur la jurisprudence française*, Dalloz.
- 4- CARBONNIER, Jean, (2004) *Droit civil, Les obligation*, Paris, Quadrige / PUF, t. 4.
- 5- FAIRGRIEVE Duncan (editor), (2005) *Product Liability in Comparative Perspective*, London: Cambridge University Press.
- 6- FISCHER, David A., (1981) *Product Liability - An Analysis of Market Share Liability*, 34 VAND. L. Rev. 1623.

- 7- GEITSELD, Mark A. (2006) **The Doctrinal Unity of Alternative Liability and Market-Share Liability**, University of Pennsylvania Law Review, Vol. 155.
- 8- GIFFORD, Donald G. & Paolo, Pascolan, **Market-Share Liability Beyond DES Cases: The Solution to The Causation Dilemma In Lead Paint Litigation**, University of Maryland, school of Law, Law Review, [Http://ssrn.com/abstract id=898612](http://ssrn.com/abstract id=898612).
- 9- Gifford, Donald G. (2005) **The Challenge to The Individual Causation Requirement in Mass Product Torts**, University of Maryland School of Law Legal Studies Research Paper. No. 2005-34. Available at: <http://ssrn.com/abstract=696561>.
- 10- GOLDBERG, John C.P., **Twentieth Century Tort Theory**, Vanderbilt University Law School, Law & Economics, Working Paper N. 02-15. [Http://ssrn.com/abstract id=347340](http://ssrn.com/abstract id=347340).
- 11- GRYNBAUM, Luc, (2006) **Responsabilité du fait des produits défectueux: restriction de responsabilité pour les fournisseurs**, JCP G, act. 185.
- 12- **JurisClasseur Civil Code**, Fasc. 150-20.
- 13- LAROUMET, Christian, (1998), **La responsabilité du fait des produits défectueux après la loi du 19 mai 1998**, Dalloz, 1998.
- 14- LAROUMET, Christian, (2002), **Les transpositions française et espagnole sur les produits défectueux devant la CJCE**, Dalloz.
- 15- LE TOURNEAU, Phillipe, (2006) **Droit de la responsabilité et des contrats**, 6<sup>e</sup> éd., Dalloz.
- 16- MAYER, D. (1975), **La garde en commun**, *Rev. trim.*
- 17- MAZEAUD, H. et L., (1950), **RTD civ.**
- 18- MONTANIER, Jean-Claude et Patrick CANIN, (2000) **Les produits défectueux**, Litec.
- 19- PAISANT, Gilles, (1996), **3URGXIV GDQJLHKI UHSRQDEIQW WQWj QpJUG GH QpFTXpLKHU TNj QpJUG GH WLV GX YHQGKU SURHMROQHO VEURIDARQ GH SOIQ GURVWQWHOIYHQGKU SURHMROQHOHWOFRQFHSWKU GX SURGXIWEDKXH GX GRP P DJH WELSDUXQHIDQVGDQVDFRXUHGpFRD**, Dalloz.
- 20- PORAT, Ariel, and Alex Stein, (2003) **Indeterminate Causation and Apportionment of 'DP DJHV \$ Q ( WD) RQ + RQW \$ QQ DQG) DUEKIC**, *Oxford Journal of Legal Studies*, Vol. 23, No. 4 ( ).
- 21- POSTACIOGLU, I.E., 1954, ) **DIV VIP XQWQpV HWOI SUREQP H GH Q UHSRQDEIQWj collective**, *RTD civ.*
- 22- **5 ( 67\$ 7 ( 0 ( 17 6( & 2 1 ' - 2 ) 72 5 7 6** (1965).
- 23- **5 ( 67\$ 7 ( 0 ( 17 7 + , 5 ' 2 ) 72 5 7 6** ( Tentative Draft No. 2, 2002 ).
- 24- RIGAUX, Anne, (2006), **Manquement sur manquement: encore des sanctions SpEXQILUHj QHFRQWHGHQ) UQFH**, *Europe*, n° 5, Mai 2006, comm. 143.
- 25- VINEY, Geneviève, Patrice JOURDAIN, (1998) **Traité CHGURWYIYO/ HFERQJMRQVGH la responsabilité** (sous la direction de Jacques GHESTIN), 2<sup>e</sup> éd, Paris, L.G.D.J.

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:

- «اصول تضمین‌کننده‌ی عملکرد دموکراتیک در دادرسی و اصول مربوط به ویژگی‌های دادرسی مدنی»، سال ۸۵، شماره ۷۴. «نظام‌های دادرسی مدنی» سال ۸۶، شماره ۱. «عدالت آیینی: پژوهشی پیرامون نظریه‌های دادرسی عادلانه مدنی» سال ۱۳۸۷، شماره ۱. «معاهده برون برای حمایت از آثار ادبی و هنری (۱)» سال ۱۳۸۸، شماره ۲. «معاهده برون برای حمایت از آثار ادبی و هنری (۲)»، سال ۱۳۸۸، شماره ۳.